

تحلیل رفتار خانوارها در مقوله ارث: مطالعه موردی شهروندان سیستان و بلوچستان داده های پانل (۸۵-۱۳۸۰)

پرویز نصیرخانی^۱

جمشید پژویان^۲

تیمور محمدی^۳

عباس شاکری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۱۹

چکیده

موضوع رفتار خانوارها در زمینه انتقال ارث و پس انداز متراکم شده به نسل آتی به عنوان عاملی اثرگذار بر نابرابری درآمد نسل های بعد و همچنین متغیری مؤثر در هزینه دولت در ارائه خدمات اقتصادی اجتماعی و تامین اجتماعی مورد مجادله بوده است.

در این تحقیق به کمک تحلیل پانل داده، در یک ساختار مبتنی بر فرهنگ سنتی در استان سیستان و بلوچستان، سعی شده تا تعیین شود که در شرایط دوگانگی سنتی و مدرن نوین شهری در استان، تصمیم خانوار در زمینه ارثیه به شکل یکسان از کدامیک از عوامل اقتصادی و اجتماعی و جمعیت شناختی تأثیر می پذیرد.

در ابتدا مدل آلتونجی و ویلانوا یا رابطه "مشتق درآمد- ثروت" به عنوان چارچوب اصلی مطالعه در نظر گرفته شد. سپس با توجه به خیرخواهانه بودن رفتارخانوارهای استان، متغیرهای اثرگذار برای مدل تعیین شده است. داده های تابلویی (پانل) برای دوره زمانی ۸۵-۱۳۸۰ استان، براساس قریب ۱۶۰۰ پرونده مالیات بر ارث و مراجعه حضوری، گردآوری و سپس مدل تصریح شده با استفاده از داده ها و نرم افزار استاتا ۹/۱ آزمون شده است. البته برای تعیین اثر ثابت یا تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شده است. در انتهای مقاله، نیز بررسی و جمع بندی نتایج مربوط به فرضیه ها ارائه شده است.

نتایج آزمون، دلالت بر رفتار متفاوت و همسو با ساختار هریک از جامعه های دوگانه دارد؛ یعنی، بهبود وضع اقتصادی خانوار در مورد شهرهای زاهدان، افزایش ارث و در مورد شهرهای با ساخت کم درآمد، کاهش ارث را نشان داد. به زبان ساده تر، نظریه واگنر مبنی بر رشد درآمد سرانه از نظر رفتار شهروندان با ساختار

۱. استادیار اقتصاد دانشگاه پیام نور

۲. استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

۳. دانشیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

۴. دانشیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

متفاوت اقتصادی و تغییر در کشش درآمدی کالاها برای خانوارها از نظر تأثیر آن بر مدل انتقال ماترک-درآمد را می‌توان به خوبی در رفتار ضرایب کاملاً متفاوت مشاهده نمود.

واژگان کلیدی: ارث، رفتار خانوار، پانل داده، سیستان و بلوچستان

طبقه بندی JEL: D1, D31, C33

مقدمه

تصمیم خانوارها درباره پس انداز تراکم یافته در طول زندگی و نحوه تقسیم آن به شکل پس انداز احتیاطی برای خود و نسل آتی به صورت ارث، از مباحث مطرح در حوزه اقتصاد است. با عنایت به اینکه نقدینگی و ثروت متراکم شده خانوار در طول زندگی دارای اهمیت است، مطالعه رفتار خانوارها در باره ارث گذاری و عوامل اثر گذار بر آن، مورد توجه اقتصاددانان، جامعه شناسان، روانشناسان و محققان سایر شاخه های علوم اجتماعی بوده است ویل هلم ((Wilhelm and Bekkers, 2010)). اسکرویش (Schervish, 2000)، کوراسی، پرایس و آرنولد (Curasi, and Arnould, 2003)، هیرشمن (Hirschman, 1990).

در زمینه بحث نسل های متداخل و نقش ارث و انگیزه های متفاوت آن و برخی از کارهای مطرح در حوزه اقتصاد، به مواردی چند می پردازیم. مطالعه بلانچارد و فیشر (۱۳۷۶)، کات لیکف و سامرس (۱۹۸۱)، مودیلیانی (Modigliani, Franco, 1988)، منکیو و همکاران (۲۰۰۰) را از آن جمله است. بلانچارد و فیشر برای بیان اهمیت موضوع ارث به یافته های کات لیکف و سامرس (۱۹۸۱) در مورد ارث و ثروت خانوارهای مورد مطالعه در آمریکا اشاره دارند. که کات لیکف و سامرس در کار خود پی بردند که بخش بزرگی از ثروت فرد (حداقل سه - چهارم) در آمریکا را ارث تشکیل می دهد (بلانچارد و فیشر، ۱۳۷۶:۲۴۴).

مودیلیانی از محققانی است که به موضوع اهمیت انگیزه پس انداز و ارث گذاری پرداخته است. وی دیرینه بحث را به دوران کینز ارجاع می دهد و می گوید: "در اوایل دوره کینزی که مطالعه پس انداز ملی مورد توجه بود، چندان به انگیزه پس انداز پرداخته نمی شد، چون عموماً می دانستند دلیل منطقی پس انداز ها ارث گذاری بود" (Modigliani, Franco, 1988). مودیلیانی در بررسی خود به کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول جان مینارد کینز اشاره دارد. کینز در فصل نهم کتاب خود، هفت انگیزه برای پس انداز برشمرده که دو انگیزه آن به قرار زیر است:

۱- جهت افزایش درآمد آینده؛

۲- تضمین استقلال و توان مالی فرد.

به هر حال، با هرانگیزه ای که فرد پس انداز کند، پس انداز و سرمایه تراکم یافته به شکل ثروت به ارث گذارده شده به پایان می رسد. بنابراین، مودیلیانی نتیجه گیری می کند، بیشتر ثروت افراد ناشی از ارث است یعنی از طریق ارث به جای مانده تامین می شود یا به عنوان ارث در نظر گرفته شده است.

مودیلیانی در ادامه می افزاید، ثروت به ارث رسیده یا متراکم در طول زندگی فرد، هر دو از منابع ثروت فرد هستند. اما در مورد اهمیت فرایند کسب ثروت و انگیزه آن، چیزی را بیان

نمی‌کند. همچنین وی این سؤال را مطرح می‌کند: "منشأ ثروت کدامیک از روشهای دوگانه است؟" سؤال فوق در عین اینکه مورد توجه محققان اوایل دهه ۱۹۶۰ بوده است. برای طراحی سیاست اقتصادی نیز حائز اهمیت است؛ زیرا انتظار می‌رود هر یک از منابع ثروت فرد به محرک‌های مختلفی پاسخ دهد. مثلاً ثروت گردآوری شده طی دوران زندگی بر اساس فرضیه سیکل زندگی به متغیرهایی مانند طول دوران بازنشستگی، اندازه خانواده، محدودیت نقدینگی، درآمد نامعین (نیروی کار)، قراردادهای حقوقی خصوصی و دولتی، بیمه سلامت و از این قبیل بستگی دارد.

با توجه به نوشته‌های موجود در زمینه انگیزه ارث‌گذاری پس‌انداز سابقه آن را در دوره‌ی آدم اسمیت و حتی پیش از آن می‌توان پیدا کرد. نوشته‌های آن دوره به اهمیت انگیزه فرد در انتقال مصرف فرد به نسل بعدی اشاره دارد. آدم اسمیت رفتار ارث‌گذاری یا پس‌انداز فرد را در زمینه‌های اخلاقی و فلسفی جستجو می‌کند. وی این رفتار را ناشی از دو ویژگی اخلاقی خودخواهی و نوع دوستی می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۵۸: ۸۲-۷۷).

در مطالعه حاضر، با توجه به محدودیت‌های آماری و در برخی موارد نبود آمار رسمی، سعی داریم رفتار ارث‌گذاری فرد را به علت دسترسی سهل‌تر به اطلاعات استان سیستان و بلوچستان، در این استان مطالعه کنیم.

برای انجام این تحقیق، از بین مدل‌های مطرح در این زمینه، مدل التونجی و ویلانوا یا "مطالعه تأثیر درآمد دائمی بر تراکم ثروت و ارثیه" ویلانوا (Villanueva Ernesto, 2000) را که در آمریکا به کار گرفته شده بود، به عنوان مدل پایه و اولیه به کار می‌بریم. ویلانوا در کار مشترک خود با آلتونجی (Ibid)، از رابطه مشتق درآمد انتقال آلتونجی و سایرین (Altonji, Joseph G., Hayashi, Fumio & Kotlikoff, Laurence J. (1997)) به عنوان مبنای تحلیل استفاده نمود. این رابطه مبنای آزمون خیرخواهی رفتار ارث‌گذار در کار مشترک آلتونجی، کات لیکف و هایاشی (Ibid) بوده است و بسیاری از مطالعات در زمینه رفتار خیرخواهانه انجام شده از این مبنا برای طراحی مدل خود استفاده کرده‌اند.

آلتونجی و ویلانوا (Altonji & Villanueva 2003) در کار خود، از رابطه مشتق درآمد-انتقال کمک گرفته‌اند و مدل خود را طراحی کرده‌اند. آلتونجی - ویلانوا در مدل خود، ثروت یا ارث به جای مانده فرد را تابعی از درآمد دائمی در طول زندگی، سن و دیگر متغیرهای مؤثر در رفتار فرد در نظر گرفته و به وسیله آن، به بررسی خیرخواهانه بودن ارث پرداخته‌اند.

در اینجا تلاش خواهیم کرد، مدل اولیه آلتونجی و ویلانوا را در جامعه مورد مطالعه آزمون کنیم، یعنی، حساسیت متغیر وابسته ارث به جای مانده یا ثروت تراکم یافته را نسبت به درآمد در

طول سنین مختلف و سایر متغیرها را مورد بررسی قرار دهیم. به عبارت دیگر، رفتار مدل را تجزیه و تحلیل کنیم.

اگر خیر خواهی را به عنوان یکی از مؤلفه های پایه ای جامعه بپذیریم، همان طوری که با این فرض، حرکت خود را شروع کرده ایم. و قبول کنیم افرادی که پرونده انحصار وراثت دارند و ارث از خود به جای گذارده اند خیرخواه هستند. از خود می توان این سؤال را پرسید: "امکان بروز خیرخواهی در ارث در جامعه مورد مطالعه، از چه عواملی تأثیر می پذیرد؟ یا، حساسیت آن نسبت به متغیرهای مورد بررسی چقدر است؟ و مدل فوق در چه شرایطی گویاترین رابطه را نشان می دهد؟"

در مطالعه حاضر، برآنیم تا فرضیه های زیر را به کمک تحلیل داده های تابلویی آزمون کنیم:

۱. خانوارهای با درآمد بیشتر، ارثیه بیشتری از خود به جای می گذارند.

۲. سن امید به زندگی (یا نرخ آستانه - k) مبنای ارثیه خیرخواهانه است.

۳. سطح تحصیلات و تمایل به ارث گذاردن رابطه مستقیم دارند

نتایج حاصل از تخمین می تواند در طراحی سیاست های دولت در بخش مالیات، هزینه های رفاه اجتماعی اعم از آموزشی، درمانی و بیمه بیکاری و سایر موارد قابل استفاده خواهد بود. البته برای تعمیم مطالعه به سطح استان های کشور، نیاز به فراهم بودن امکانات مالی و نیروی انسانی کافی و زمان است تا بتوان به بسط و توسعه آن در کشور مبادرت نمود.

پیشینه تحقیق

با توجه به گستردگی مجموعه کارهای انجام شده درباره ارث و انگیزه آن یا عوامل مؤثر بر آن، نتایج برخی از آنها به عنوان نمونه مطالعات انجام شده در این زمینه، اشاره می کنیم.

در مباحث نظری این موضوع، مودیلیانی می گوید مساله اهمیت منشا پس انداز و ثروت را برای بار اول هارود (۱۹۴۸) مطرح کرد و با طرح این موضوع و پیش کشیدن بحث پس انداز و ثروت مقطعی^۱ زمینه ادامه بحث برای خود و دیگران را فراهم می کند (Modigliani, Frnco, 1988).

گری بکر به موضوع خیرخواهی در قالب رفتار اقتصادی نوع بشر، به عنوان یک چارچوب اقتصادی در کنار چارچوب اولیه عقلانیت و انسان عقلایی در دیدگاه کلاسیک، خودخواهی را مطرح می کند. بکر بحث خود را در دو قالب تعامل اجتماعی و خیرخواهی، خودخواهی و قابلیت های ژنتیکی مطرح کرده و تلاش می کند تا رفتار خیرخواهانه والدین نسبت به فرزندان و انتقال کمکها

به شکل سرمایه گذاری در آموزش فرزندان، کمک مالی و به جای گذاردن ارثیه را بیان کند. بکر در تحلیل خود با استفاده از تابع مطلوبیت والدین و فرزندان، نشان می دهد که والدین از مصرف فرزندان علاوه بر مصرف خود، مطلوبیت کسب می کنند (Becker Gary S. 1976).

کولارد (Collar David, 1981)، معتقد است علی رغم مشکلات تکنیکی در بیان رفتار انسان، با طرح موضوع خیرخواهی و رفتار خیرخواهانه، امکان توجیه اقتصادی رفتار انسان را می توان فراهم ساخت. کولارد در بحث خود، خیرخواهی را یک کالای عمومی در نظر می گیرد. وی خیرخواهی را شیوه رفتاری می داند که فرد به انتقال کمک در درون خانواده و بیرون آن، در مقابل رفتار خود خواهانه قرار می گیرد.

علت دیگر برای ارثیه، توسط دو اقتصاددان به نام های یاری (Yaari, Menahem, 1965) و دیویس (Davies, James, 1981) ارائه شده است. آنان در مقالات خود، انگیزه ارثیه را " ارثیه تصادفی" نام نهاده اند و به این نتایج دست یافته اند که ارث گذار هیچ نفعی یا رضایتی از ارث گذاردن نمی برد بلکه به دلیل عدم اطمینان نسبت به آینده و نامعلوم بودن مدت حیات خویش، برای مقابله با اتفاقات احتمالی در طول زندگی، پس انداز احتیاطی یا نقدینگی احتیاطی نگهداری می کند

از کارهای پایه ای انجام شده درباره رفتار فرد و ارثیه به نوشته های سه محقق به نام های برنهایم، شلایفر و سامرس تحت عنوان "انگیزه استراتژیک ارث"^۲ می توان اشاره کرد. آنان معتقدند که هیچ مدلی نتوانسته است درک کافی از انگیزه های ارث را فراهم کند. آنها مدعی هستند با مدل ساده خود می توانند نشان دهند که ارث گذاردن، رفتار ارث گیرندگان آتی را تحت تأثیر قرار می دهد (Bernheim, 1985).

در کنار انگیزه های فوق، به دیدگاه یا نظریه برابری ریکاردویی^۳ و بارو می توان اشاره کرد. بارو (۱۹۷۴) در نظریه خود می گوید، خیرخواهی بین نسلی یک خانواده، اثرات سیاست های دولت را خنثی می کند و سطح زندگی فرزندان را در یک سطح معین تثبیت می کند.

بر این اساس، می توان گفت اکثر قریب به اتفاق محققان کشورهای غربی با توجه به ذهنیت شکل گرفته و مبتنی بر رفتار یک شهروند غیر سنتی و مذهبی غربی، بر اثبات این نکته تأکید دارند که رفتار مشارکتی شهروند غیر غربی را با ایده بده و بستان رایج در انتقال ارثیه مرتبط کنند. اما در این زمینه مطالعات تجربی زیادی انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

-
1. Accidental Bequest
 2. Strategic Bequest Motives
 3. Richardian Equivalence

فرانکو مودیلیانی با مبنای فرضیه درآمد سیکل زندگی (۱۹۹۴) و با توجه به دیدگاه کینزی و نئوکینزی خود، سعی دارد با الهام گرفتن از تفکر کینز در مورد ارثیه و پس انداز (با ۹ گروه انگیزه) نشان دهد که سهم ارثیه و انتقال بین نسلی با انگیزه خیرخواهانه به شکل ارثیه، در اغلب مطالعات انجام شده در غرب، نشان می دهد که این انگیزه حدود ۸۰ درصد از تشکیل ثروت در کشورهای همانند ایالات متحده را توضیح می دهد.

هوریوکا و همکاران در مطالعه خود، علاوه بر دلیل فوق، ارث را به جبران خدمات دوران کهولت از سوی فرزندان دانسته و مدل سیکل زندگی را برای توضیح رفتار ژاپنی ها مدل مناسبی می دانند (Horioka et al. , 2003:25-26).

سرگی سورنیف (Severniov, 2006)، یکی از محققانی است که نظریه بارو را مورد آزمون قرار داده است. وی معتقد است ارثیه به جای گذاشته شده مانند یک علامت دهنده یا نشانگر است. وی می گوید چگونه و تا چه میزان ارثیه، سیاست های مالی دولت (برای باز توزیع درآمد) را تحت تأثیر قرار می دهد.

مطالعه منکیو و فلد اشتاین (۱۹۹۵) از جمله کارهایی است که براساس دیدگاه برابری ریکاردویی، به بررسی انتقال بین نسلی ثروت پرداخته است. یا، در بحث بلانچارد و فیشر، آنها به بررسی تأثیر رفتار ارث (یا پس انداز به جای مانده از فرد) بر روی متغیرهای کلان اقتصادی در چارچوب مدل تداخل بین نسلی دیاموند توجه داشته اند (۲۸۹:۱۳۷۶).

کوچک و لپتون (Kopczuk Lupton, 2007) در بررسی خود برای گروه های مسن مجرد به این نتیجه رسیده اند که در ۷۰ درصد موارد انگیزه خیرخواهی وجود دارد. در برخی دیگر از مطالعات، انگیزه ارث را کاهش بار مالیاتی می دانند برنهایم و سایرین (Bernheim, Jonathan Skinner, Steven Weinberg, 2001)، پیج (Page, Benjamin, 2003) لایتنر و السون (Laitner, 1997) در بررسی خود دریافتند که شواهد ضعیفی مبنی بر انگیزه خیرخواهی در ارث گذاری افراد مورد مطالعه در آمریکا وجود دارد.

راتلی و همکاران (Routley, Sargeant, scaife, Wendy, 2007) و برخی دیگر از محققان دریافتند که افراد متاهل و دارای فرزند و حتی نوه، تمایل کمتری به ارث گذاری دارند (چانگ و سایرین (Chang, Okunade, Kumar, 1999)، بارت هلد و پلاتنیک (Barthold and Plotnick, 1984)، جلفائیان (Joulfaian, 2000)، سارجنت و هیلتون (Sargeant, Hilton, 2005)، سارجنت و جی (Sargeant and Jay, 2003)، سارجنت و هیلتون و وایمر (Sargeant, Wymer, and Hilton, 2006)

در مورد برخی دیگر از متغیرهای اثرگذار بر ثروت ماترک یا ارث^۱، می توان به کار فینک و ردآلی (Fink and Silvia Redaelli, 2004) اشاره کرد. آنان و سایرین در مطالعه خود دریافتند که رابطه مستقیم بین وضعیت اقتصادی و درآمد والدین و رابطه ای معکوس بین ارثیه و وضعیت مالی فرزندان برقرار است (Routley, Sargeant and scaife, Wendy, 2007)، چانگ و سایرین (Chang, Okunade and Kumar, 1999)، بارت هلد و پلاتنیک، ۱۹۸۴، جلفائیان (Joulfaian, 2000). در حالی که، برخی از محققان دریافتند که افراد با سطح درآمد متوسط و پایین تر، ارث بیشتری به جای گذارده اند (براون Brown, 2004، سارجنت و هیلتون Sargeant, Hilton, 2005، سارجنت و جی Sargeant and Jay, 2003، راتلی و سایرین (Routley, Sargeant, and scaife, Wendy, 2007).

با توجه به اینکه پایه اصلی این مطالعه بر مدل "اثر درآمد واقعی بر میزان دارایی و ارثیه انتظاری والدین" (Villanueva Ernesto, 2000) استوار است. به نمونه‌ای از مطالعات انجام شده در این زمینه نیز به طور خاص و مختصر اشاره می‌کنیم.

ویلانوا در کار مشترک خود با آلتونجی با الهام از کار قبلی آلتونجی، کوتلیکف و همکاران (۱۹۹۷) در مطالعه خود به موضوع خیرخواهی در خانواده پرداخته اند. آنان در بررسی خود، در عین توجه به بحث کمکهای والدین و ارثیه برنامه ریزی شده، رابطه آن با درآمد والدین و فرزندان شان به عنوان موضوع کلیدی برای توزیع منابع بین افراد یک خانواده و بین نسل های مختلف را مدنظر قرار داده اند. پاره ای از نوشته ها در این زمینه میزان واکنش رفتار انتقال درآمد به تغییرات درآمدی والدین پرداخته اند (کوکس Cox Donald, 1987).

رنک و همکاران^۲ در مطالعه خود مشاهده کردند، احتمال و میزان کمکهای انتقالی والدین به فرزندان با درآمد والدین رابطه مستقیم و با درآمد فرزندان رابطه معکوس دارد. کوکس و همکاران (1987) نشان داده اند که میان درآمد فرزندان و انتقال کمکهای والدین رابطه ای مثبت وجود دارد

۱. برخی از محققان که به اثر انگیزه های بیرونی پرداخته اند، دریافتند که افراد مذهبی، تمایل بیشتری بر ارث گذاردن دارند (مک گرانهان McGranahan Leslie Moscow, 2000)، بارت هلد و پلاتنیک (Barthold and Plotnick, 1984)، راتلی، سارجنت و اسکایف (Routley, Sargeant and scaife, Wendy, 2007). در بررسی خود دریافته اند که در ایالات متحده، ارث گذاران که مبالغی را به عنوان پیشرفت سازمان های خیریه و آموزش شی پرداخته اند، با انگیزه فرار از مالیات و مالیات بر ارث و خودخواهانه بوده است (بارت هلد و پلاتنیک Barthold and Plotnick, 1984، کلا نفلتر، ۱۹۸۵). در حالی که، کوپچک و لپتون (Kopczuk, Lupton, 2007) و سایرین در کارهای خود دریافتند که ۷۵ درصد افراد مورد مطالعه ارث گذار با انگیزه خیرخواهی عمل کرده اند و ارث گذار از مصرف آیندگان بیش از مصرف خود مطلوبیت کسب می کند (هرد Hurd, 1989).

۲. برای مطالعه بیشتر به تحقیقات انجام شده زیر مراجعه کنید: Shoeni & Cox & Rank (1992)، Mccarry (1995)، Altonji, Hayashi & Kotlikoff (1995, 1997).

(راتلی و سایرین 2007, Routley, Sargeant and scaife). با این حال، تأثیرگذاری متغیرهای توضیحی فوق بر کمکهای انتقالی والدین امری تقریباً نسبی است.

آلتونجی و همکاران (Altonji, Joseph, Hayashi, Fumio & Kotlikoff, Laurence, 1997) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که در میان کسانی که کمکها را دریافت می کنند، میزان درآمد انتقالی والدین به ازای هر واحد افزایش درآمد والدین ۵ درصد افزایش و به ازای هر واحد افزایش درآمد فرزندان ۸ درصد کاهش پیدا می کند، در حالی که یافته های اخیر، تغییرات بسیار اندکی را نشان داده است. برخی از مطالعات به بررسی اثر درآمد والدین بر میزان ارثیه پرداخته اند^۱. بخشی از آنها نشان می دهد که در ایالات متحده ارثیه تقسیم شده بین فرزندان به سطح درآمد فرزندان بستگی ندارد.

فینک و ردآلی در کار خود به بررسی رابطه بین ارث یا ثروت تراکم یافته با درآمد و سن پرداخته اند و نشان داده اند افرادی که سن ۶۰ سال و بالاتر دارند که ارث گذاری با ثروت و سایر خصوصیات فردی مانند میزان سلامتی، نژاد و مذهبی بودن رابطه مستقیم و با وضعیت اقتصادی فرزندان رابطه معکوس دارد (Fink and Silvia Redaelli, 2004).

در مقابل راتلی و همکاران (Routley, Sargeant and scaife, Wendy, 2007) به این نتیجه رسیده اند که افراد در گروه های سنی ۴۰ تا ۵۰ سال و حتی ۶۰ سال مایل به ارث گذاری هستند و با افزایش سن از تمایل آنها کاسته می شود (سارجنت، وایمر و هیلتون Sargeant, Hilton and Wymer, 2006 براون Brown, 2004، کول، دینگل و بهایانی (Cole, K., Dingle and Bhayani, 2005). راتلی و همکاران (۲۰۰۵) در بررسی خود در استرالیا دریافتند که با افزایش سن امکان ارث گذاری خیر خواهانه با آهنگ کاهنده ای بالا می رود. و برای ارزیابی اینکه آیا ارثیه برنامه ریزی شده عامل اصلی ارتباط بین درآمد و ثروت است، اهمیت زیادی قائل شده اند.

ویلانوا (Villanueva Ernesto, 2000) و آلتونجی، جریان خیرخواهی درون خانواده در قالب تابع مطلوبیت خانوار یا آلتوریسم درون یک نسل بررسی کرده اند. همچنین، امکان ارث گذاری، در قالب دو مدل معاوضه و خیرخواهی با توجه به متغیرهای دموگرافیک، اموال و سایر متغیرهای کمیت پذیر بین نسلی اشاره دارند.

کامبز (Combs, Mary, 2005) در مطالعه جامعه مغازه داران قرن نوزدهم انگلیس، رفتار آنها را مصداق توصیف آلفرد مارشال می داند که پس انداز احتیاطی و ارث برای آیندگان را به صورت مجزا نگهداری می کردند.

۱. ر.ک: (McGarry (1998); Wheilhelm (1996); Menchick (1980)

شان موک (۲۰۱۰: ۲۴-۲۵) در مورد پس انداز احتیاطی و ارثیه عمدی اشاره دارد که افراد مسن مورد مطالعه که انگیزه ارث دارند نسبت به افرادی که صرفاً پس انداز احتیاطی می کنند، هزینه های اضافی درمانی بیشتری دارند.

ویلاتوا و آلتونجی در مدل خود، ثروت یا ارث به جای مانده در دوره دوم را ملاک قرار داده اند. بر این اساس، وضع درآمدی فرزندان در رابطه تبعی آن قرارداد و براساس آن، مدل استاندارد خیرخواهی را به عنوان مبنای تحلیل استفاده کرده اند. این مدل آزمون می کند که آیا رفتار والدین مبتنی بر فرضیه سیکل زندگی به ازای تغییرات درآمد والدین و فرزندان خیرخواهانه بوده است یا خیر؟ بنابراین، ملاحظه می شود که در اکثر مطالعات انجام شده از جمله مطالعه مشترک اولیه آلتونجی، کات لیکف و هایاشی (Altonji, Joseph G., Hayashi, Fumio & Kotlikoff, Laurence, 1997) و سایر کارهای انجام شده، مبنای مطالعه بر پایه رابطه مشتق درآمد- انتقال بوده است. هر چند یافته های آلتونجی و همکاران (Ibid) برای دوره اول، نشان دهنده خیرخواهی در رفتار والدین نیست.

در ایران نیز، از تحقیقاتی که به رفتار بین نسلی و رفتار خانوار مصرف کننده به طور اخص مسلمان انجام شده است، می توان به موارد زیر اشاره کرد: عزتی (۱۳۸۱) در رساله دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، با عنوان "تبیین نظریه رفتار مصرف کننده مسلمان" و عباسیان و همکاران (۱۳۸۶)، در مقاله با عنوان "آزمون برابری ریکاردویی در ایران" و حسینی (۱۳۷۹) با عنوان "الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف کننده مسلمان".

برای مقایسه ساختار کشورهای مختلف می توان در یک نگاه اجمالی گفت، در کشورهای با گرایش دینی و مذهبی پر رنگ تر، بیشتر می توان امیدوار بود که خیرخواهی در بیشتر موارد مبنای حرکت انتقال ارثیه و ثروت افراد باشد. البته در کشورهای شرقی یا به تعبیر دیگر، کشورهای با حاکمیت سنت های گذشته در روابط انسانی مانند هندوستان و بنگلادش روابط بین مردم در فعالیت های کشاورزی و یا سایر کارهای روزمره، به صورت همکاری و کمک در امور و تامین اعتبار مورد نیاز است. البته این مشارکت، فارغ از سود جویی فردی و در راستای کمک و دستگیری سایرین است.

تحلیل عوامل مؤثر بر ارث گذاری یا گردآوری پس انداز برای آینده، در هر کشوری و هر جامعه بسته به بستر فرهنگی، اخلاقی، شرایط اقتصادی، نحوه توزیع درآمد، بافت قومی، وضعیت سواد، شهرنشینی و دیگر عوامل، رویکردی متناسب با بررسی و تحلیل و حتی مدل های تصریح شده خاص را می طلبد.

در جامعه ایرانی، با فرهنگ، قومیت، مناسبات اجتماعی و سایر خصوصیات که حاکم بر زندگی مردم است. نوع دوستی به منزله یک خصلت و رفتار پسندیده مردم محسوب می شود و در هر

استانی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و قومی، مردم فرهنگ و روابط و مناسبات اجتماعی و رفتار خاصی را دارا هستند. مطالعه هر استان به صورت منحصر به فرد، موضوعی مجزا و قابل بررسی است.

چارچوب مدل

چنانچه اشاره شد، مدل پایه مقاله حاضر مدل ارایه شده توسط آلتونجی و ویلانوا است. ایشان در مدل خود فرض کرده‌اند که ارثیه مربوط به فرد فوت شده است و در نتیجه، تمام پس انداز انجام شده فرد در طول زندگی یا همان ثروت تراکم یافته به صورت ارثیه به فرزندان و سایرین منتقل می‌شود. آنان با توجه به فرض فوق، ثروت تراکم یافته را به صورت فرم تبعی زیر تعریف کرده‌اند:

$$Z_{it} = f(Y_{pit}, Y_{pit}(age - k), X_{it}) \quad (1)$$

که در آن اندیس i مربوط به خانوار i ام است. در رابطه (۱) متغیرهای زیر را داریم:

Z_{it} یا ارث و پس انداز یا ثروت تراکم شده فرد i ام در دوره t ام.

براساس دیدگاه آلتونجی و ویلانوا (۲۰۰۰ و Altonji & Villanueva, 2003) که بر اساس مطالعات قبلی آلتونجی و همکاران (۱۹۹۵ و Laurence, 1997) انجام شده است رابطه خیرخواهی و تأثیر درآمد والدین و فرزندان در انتقال ارث به نسل بعد نشان داده است. آنان در مطالعات مزبور، مدل خود را به شکل محدودیت تقاضای تغییرات کمک والدین به‌زای تغییر درآمد والدین (p) و تغییر درآمد فرزندان (k) به عنوان شرط خیرخواهی در انتقال کمک در نظر گرفته‌اند:

$$\frac{\partial R}{\partial Y_p} - \frac{\partial R}{\partial Y_k} = 1 \quad (2)$$

که در آن R کمکهای انتقالی و Y درآمد آنان (والدین و فرزندان) است (Ibid, ص ۱۱۲۷).

آلتونجی و ویلانوا (۲۰۰۰) به کمک رابطه (۲)، اثر تغییر درآمد والدین و فرزندان در تصمیم والدین به انتقال کمک، مدل خود را از طریق مشتق ثروت به متغیر مورد نظر نشان داده‌اند. آنان در تحلیل خود، ارثیه به جای مانده را به عنوان جایگزین ثروت ارثی (دید مودیلیانی) ملاک قرار داده‌اند. هرچند می‌دانیم در عمل فرد ارث‌گذار قصد ارث‌گذاردن آن را نداشته است و چه بسا در صورت ادامه حیات، پس انداز و ذخیره احتیاطی را صرف مخارج مصرفی، تفریحی و سایر مخارج خود می‌کرده است. اما به سبب فوت، کلیه ماترک اعم از ذخیره احتیاطی و ذخیره برای آیندگان در مجموع به وراثت می‌رسد.

بر این اساس متغیرهای مستقل عبارتند از:

- Y_{pi} در آمد دائمی والدین؛

- $Y_{pi} (age - k)$ متغیر تأثیر متقابل درآمد دائمی و سن والدین در حداکثر امید به زندگی و از کارافتادگی (k).

در مدل ویلانوا و آلتونجی، مبنای آزمون، خیرخواهانه بودن رفتار والدین، رابطه مشتق درآمد- انتقال است و دوره عمر فرد با تعیین آستانه ۷۰ سال بازنشستگی به دو دوره تقسیم شده است. در دوره پیش از بازنشستگی، تأثیر وضع درآمدی والدین و فرزندان یا تغییرات در آن را در انتقال کمک والدین به فرزندان (انتقال دوره اول یا R_1) و در نتیجه، خیر خواهی دوره حیات در نظر گرفته اند (کار مشترک آلتونجی، هایاشی و کاتلیکف). و در صورت تداوم حیات پس از بازنشستگی، مدل خود را بر اساس رفتار دوره دوم (انتقال دوره دوم یا R_2) و با توجه به متغیر وضعیت درآمدی فرزندان آزمون کرده اند.

ویلانووا و آلتونجی برای بررسی خیرخواهی، مدل خود را در دوره دوم براساس رابطه مشتق درآمد- انتقال آزمون کرده اند. در مدل برگرفته از کار ویلانوا و آلتونجی، داشتن سرپناه و مانند آن به عنوان متغیرهای نشان دهنده وضع درآمدی فرزندان در نظر گرفته شده است و در نتیجه، مدل بر مبنای رابطه اولیه درآمد- انتقال آزمون خواهد شد.

X_{it} برداری از متغیرهای توضیحی است که عبارتند از: تعداد فرزندان، نژاد، سطح تحصیلات والدین، وضعیت شغلی والدین (شاغل، بازنشسته، بیکار) و شاخص های دیگر.

در کنار این تحلیل، تحلیل رفتار با تغییر دیدگاه با این عنوان که قصد و نیت فرد از پس انداز آن است که بخشی از پس انداز مازاد بر نیاز یا ذخیره احتیاطی وی که جدای از نیازهای او است، می تواند مبنای خیرخواهی قرار گیرد. براساس این مدل، فرد در طی سالهای زندگی خود سعی دارد پس انداز را در قالب ترکیب ذخیره احتیاطی و بخش انتقالی خیرخواهانه برای دوره پس از خود گردآوری و به ارث می گذارد، آنهم در حالتی که توان درآمدی فرد اجازه چنین کاری به او بدهد.

لازم به ذکر است گروه مورد مطالعه که در مورد آنان اظهارنامه مالیاتی وجود دارد قطعاً اثری از آنها به جای مانده است. پس توانسته اند تا حدی این نیت خود را بروز دهند.

طبق مدل فرضیه سیکل زندگی، فرد بخشی از پس انداز خود را - به نیت خیرخواهی - در سنین پایین تر از سن از کارافتادگی به صورت ذخیره احتیاطی به شکل انواع داراییها در سبد داراییهای خود برای انتقال به فرزندان نگهداری می کند. چون فرد امیدوار است مدت زمان بیشتری زندگی کند. بنابراین، امید به زندگی او نیز کاهش می یابد، پس انداز احتیاطی بیشتری

برای فرزندان گردآوری می کند؛ در حالی که با افزایش سن و گذر از سن از کارافتادگی، فرد خیرخواه از ذخیره احتیاطی خود می کاهد.

در بردار متغیرهای X_{it} مجموعه متغیرهای دیگر مانند: سن فرزندان، وضعیت شغلی فرزندان و وضعیت تحصیلی فرزندان را نیز به مجموعه متغیرهای قبلی اضافه می کنیم.

در تحلیل این مدل، سعی خواهیم کرد مدل را در چارچوب جامعه استان به صورت پانل بر حسب سن مختلف والدین، سطح تحصیلات، شرایط بازار کار، مرد یا زن بودن سرپرست خانوار و سایر موارد مورد آزمون قرار دهیم. یا به تعبیر بهتر به بررسی حساسیت ارثیه به هر یک از متغیرها بپردازیم.

البته، در مدل رگرسیون تغییرات ارثیه یا ثروت اندوخته شده نسبت به سایر متغیرها اعم از درآمد، به شرط این است که نان آور خانواده فوت کرده باشد.

در تحلیل خود، مدل را به صورت نیمه لگاریتم یا رشد ثابت در نظر می گیریم (عرب مازار، ۱۳۶۹: ۱۶۰)

$$\log Z_{it} = (y_{pit}, \dots, X_{it}) \quad (۴)$$

روش برآورد

به طور کلی در این تحقیق برای شناسایی از روش اسنادی و مصاحبه استفاده شده و تجزیه و تحلیل نیز به روشهای تحلیل آماری و اقتصادسنجی انجام می شود.

در این بخش، آمار مربوط به ارث، داده هایی مانند میزان ارثیه، سن، شغل، محل سکونت و برخی متغیرهای دیگر را در شهرهای زاهدان و زابل به عنوان شهرهای نمونه از درون پرونده های ارثیه واحد مالیات بر ارث استان که مجموعه مراجعان برای دریافت فرم شماره ۱۹ یا گواهی انحصار وراثت طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ را در برمی گیرد، مبنای مطالعه می باشد. که داده هایی مانند میزان ارثیه، سن، شغل، محل سکونت و برخی متغیرهای دیگر را از پرونده ها استخراج کرده ایم.

در تحقیق حاضر که مبنای خرد دارد، واحد مورد مطالعه خانوارهایی است که سرپرست آن طی سالهای ۸۵-۱۳۸۰ در شهرهای نمونه استان سیستان و بلوچستان فوت کرده اند و در اداره دارایی دارای پرونده مالیات بر ارث هستند. تلاش شده است تا حداکثر اطلاعات و داده ها را از مجرای مصاحبه و پرسش های شفاهی از خانوارهای وراثت به دست آوریم.

جامعه مورد مطالعه، ۱۶۰۰ نفر فوت شدگانی بوده اند که طی دوره مزبور در بخش مالیات برارث دارایی شهرهای مربوطه در استان دارای پرونده هستند. اما به دلایل متعدد قریب به دو - سوم امکان جمع آوری و تکمیل داده ها در مورد آنها در حین بررسی وجود نداشت. سعی شده

است حجم نمونه به بیش از ۴۰۰ خانوار افزایش یابد تا بتوان سطح اطمینان به ۹۰ درصد و بیش از آن برسد.

امروزه برای تحلیل مدل‌های تجربی، به جای استفاده از روش سری زمانی و روش مقطعی که مشکلات اقتصادسنجی را در بردارد، از روش پانل داده کمک می‌گیرند. افزایش قابلیت اعتماد و کارایی ضرایب تخمینی و توجه به تفاوت‌های مقطعی، پویایی رفتار خانوار در طول زمان در تصمیم به ارث‌گذاری، از مزایای این روش است.

به همین علت سعی داریم تا داده‌ها را به شکل پانل استفاده کنیم. داده‌های تابلویی (پانل)، مجموعه‌ای از اطلاعات را فراهم می‌کند که تحلیل مسایل پیچیده اقتصادی برای تصمیم‌سازی‌ها را ممکن کند.

در اینجا، برآورد مدل با استفاده از مدل داده تابلویی و نرم افزار 9.1 stata انجام شده است. پیش از ارائه برآوردهای حاصل از تخمین، با معرفی متغیرهای مورد استفاده شروع می‌کنیم. فهرست متغیرهای مورد استفاده در جدول (۱) آمده است:

جدول ۱. فهرست متغیرها

فهرست متغیرهای مورد استفاده در تحلیل رگرسیون	
$Tahm_{it}$	سطح تحصیلات والدین در خانوار i در سال t
$J1_{it}$	شغل سرپرست خانوار i در سال t
Nf_{it}	تعداد فرزندان خانوار i در سال t
$S1_{it}$	محل سکونت متوفی در خانوار i در سال t
$J2_{it}$	وضعیت اشتغال فرزندان متوفی در خانوار i در سال t
Tf_{it}	سطح تحصیلات فرزندان متوفی در خانوار i در سال t
$Y1age_{it}$	متغیر تداخل درآمد متوفی با تفاضل سن از کار افتادگی
$Kag65=(age-k)$	متغیر تفاضل سن از کار افتادگی متوفی در خانوار i در سال t
k	سن از کار افتادگی برحسب اعلام سازمان‌های متبوع

پیش از ورود به بحث نتایج و جمع بندی، لازم است چند نکته در مورد ساختار دوگانه استان سیستان و بلوچستان با استفاده از دو شهر زاهدان و زابل به عنوان نمونه ذکر کنیم.

زاهدان از نظر شکل‌گیری، شهری نوپاست و قدمت آن به یک سده نیز نمی‌رسد. شهروندان آن را مهاجران سیستانی در شمال شهر، اقوام بلوچ در جنوب و بیرجندی‌ها و یزدی‌ها در مرکز شهر تشکیل می‌دهد که برای مقاصد تجاری، خدماتی و کسب و کار گرد هم آمده‌اند. تا سال ۱۳۶۰ روند مهاجرت به زاهدان به صورت عادی و با تمرکز در مناطق با قومیت معین صورت

می گرفت. هر قوم به حسب شرایط اقلیمی دشواری که در منطقه بومی (زابل، بیرجند و...) با آن مواجه بوده است و به امید بهبود وضعیت اقتصادی به زاهدان آمده اند. پس از سال ۱۳۶۰ و با اجرای طرح تفصیلی در شهرها جابجایی چندانی در زاهدان صورت نگرفت؛ زیرا مساله کمبود آب در مناطق تازه تعریف شده بود که انگیزه حرکت درون زاهدان را سلب می کرد.

پس از افتتاح طرح آبرسانی زابل - زاهدان و افزایش ارزش زمین، مهاجرت مردم زابل و جنوب استان که از منابع خوبی بهره می بردند، به زاهدان سرعت گرفت. در درون شهر نیز بیشتر نسل جوان بود که در بافت جدید که تنوع قومیت و واحدهای مسکونی با ترکیب جدید را دارا بود، ساکن شدند و نسل قدیم همچنان در بافت سنتی باقی ماند.

ساکنان قدیم زاهدان بر انتفاع از امکانات اقتصادی و کار و کسب و دستیابی به خدمات رفاهی به زاهدان آمده بودند. سطح تحصیلات آنان در حد پایین بوده و در رفتار پس انداز خود، تمایل به تبدیل مازاد درآمد در بازار مسکن و مستغلات داشتند.

مهاجرین جنوب استان طی سالهای پس از شکل گیری مرکز تجاری چهارراه رسولی زاهدان و موقعیت دسترسی به مرزهای جنوبی و شرقی، به درآمدهای بالایی دست یافتند و در پی آن، برای استفاده از موقعیت کسب و کار بهتر و برخورداری از امکانات رفاهی، اجتماعی و اقتصادی مرکز استان، به سمت زاهدان سرازیر شدند.

در مورد شهرهای گروه دوم، زابل، سراوان، سرباز و سایر شهرها لازم است بگوییم شهرهایی با ساختار اولیه و غالب اقتصاد کشاورزی هستند. متوسط درآمد خانوارهای این شهرها بسیار کمتر از شهرهای زاهدان و چابهار است. این امر موجب شده است تا کسب درآمدی کالاهایی مانند آموزش، خدمات بهداشت خصوصی و تفریحات برای خانوارهای سیستانی بسیار بالا باشد.

بنابراین، خانوار سیستانی هم و غم خود را در درجه نخست صرف تأمین مایحتاج و پوشاک ساده نموده و در صورت امکان، پس اندازی برای آموزش فرزندان و در حد امکان منزلی در حاشیه شهر کنار می گذارد. حال اگر به سوی مناطق و شهرهای با متوسط درآمد بالاتر برویم، چون این امکانات و کالاها قبلاً تهیه شده اند. بنابراین، بیشتر توجه خانوار صرف آینده مالی فرزندان و خدمات بیشتر و پرهزینه تر رفاهی و آموزشی برای آیندگان است.

در این شرایط، با توجه به بافت شهری زاهدان و تمرکز امکانات بیشتر در آن، نسبت به شهرهایی مانند زابل با بافت قدیمی و ستاره ای^۱ طبیعی است که رفتار کاملاً متفاوتی از خانوار

۱. شهرهای مذکور ساکنین روستایی برای کسب و کار در حاشیه و مبادی ورودی شهر از محل سکونت قبلی مسقر گردیده و از نظر درآمدی در سطح پایین درآمدی قرار دارند.

برای تراکم ثروت شاهد باشیم. بنابراین، در جامعه دوگانه استان، رفتار خانوار برای آتیه فرزندان به اشکال مختلف و در دو طیف مخالف با هم قرار می‌گیرد. طبیعی است که رفتار فرد ارث گذار در ازای متغیرهای اقتصادی و سایر متغیرها مانند درآمد خانوار در هریک از جوامع سنتی (زابل) و مدرن (زاهدان) با هم یکی نباشد؛ به طوری که در حالت ترکیبی^۱ برای استان، امکان پیش بینی دقیق وجود نخواهد داشت. نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول (۲) زیر آمده است:

جدول ۲. نتایج برآورد تابع ارث - درآمد

متغیرهای وابسته: Log(e1)	ضرایب زاهدان	مقدار t	ضرایب زابل	مقدار t	ضرایب استان	مقدار t
Indep. var						
Tahm	-0.1109	-2.02	-0.2588	-1.23	-0.139	-1.26
J1	0.05057	1.39	0.52	-2.69	0.183	1.76
Nf	0.00788	0.57	-0.0065	-0.11	0.0563	1.61
S1	0.1505	1.67	1.199	3.31	0.5194	2.81
Kage65	-0.0096	-0.8	-0.118	-1.01	-0.0704	2.28
Y1age	5.74e-06	0.25	0.0015	2.84	0.00026	2.13
J2	0.34615	2.11	-0.513	-2.18	-0.0643	-0.38
Tf	0.02264	0.45	-0.195	-1.07	0.221	2.01
_cons	7.909	20.84	5.1	6.59	-15.4	-1.54
P_value F	0		0		0.23	
P_hausman	0		0.1			
مشخصه مدل تعداد مقاطع	Fixed 34		Fixed 11		Pooled 27	

مأخذ: نتایج برآوردهای حاصل از تحقیق.

تفسیر نتایج

از نظر تحلیلی، هریک از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و سایر متغیرها را به حسب شهرها و جمع کل برای تابع رفتاری ثروت- درآمد خانوار استان به شکل زیر می‌توان بیان کرد.

الف) متغیرهای اقتصادی

z1 - شغل والدین (بیکار تا مشاغل با درآمد بالا) است که ضرایب متغیر در توابع رفتاری خانوارهای شهرهای زاهدان، زابل، به ترتیب ۰/۰۵ و ۰/۵۲ و برای استان ۰/۱۸ می‌باشد که در هر صورت معنادار است؛ یعنی به ازای حرکت به سمت مشاغل پر درآمدتر در هر مقطع در زاهدان، به میزان ۰/۰۵ درصد، در زابل ۰/۵ درصد و در استان، به میزان ۰/۱۸ درصد افزایش در میزان ثروت به جای گذارده از فرد، شاهد خواهیم بود. این مطلب با شواهد زاهدان و زابل، بخصوص افراد ۶۵ سال و بالاتر که در دوره فوق فوت نموده اند که ساکنین اولیه آن شهرها بوده اند، سازگاری دارد.

z2- متغیر وضعیت اشتغال فرزندان می‌باشد که برای شهرهای زاهدان ۰/۳۵، زابل ۰/۵۱- و ۰/۰۶۴- در استان و متغیر بعدی tf یا سطح تحصیلات فرزندان است که برای شهرهای فوق، به ترتیب ۰/۰۲۳، ۰/۱۹۵- و ۰/۲۲ است که نتایج هر دو متغیر دارای علامت یکسان است. در شهرهای زابل با متوسط درآمدی کمتر به ازای بهبود شرایط اقتصادی فرزندان و وضعیت بد درآمدی خانوار به سمت مصرف کالاهای پر کشش بهداشت با کیفیت و سایر کالاها حرکت کنند. در نتیجه، پس انداز یا ثروت باقی مانده کاهش می‌یابد. در صورتی که در مورد زاهدان و شهرهای با متوسط درآمدی بالاتر، دلیل اینکه خانوارها با بهبود وضع اقتصادی ناشی از امکانات شهری در زمینه بهداشت، آموزش و خدمات رفاهی با کیفیت، نیاز به سرمایه‌گذاری نمی‌بینند و سرمایه خود را به صورت صور دیگر دارایی‌ها در بازار مالی و مستغلات برای آینده فرزندانشان سرمایه‌گذاری می‌کنند.

ب- متغیرهای اجتماعی و جمعیت شناختی

Tahm یا میزان تحصیلات متوفی می‌باشد که مقادیر حاصل از برآورد برای شهرهای زاهدان، زابل و استان به ترتیب ۰/۱۱- درصد، ۰/۲۵- و ۰/۱۳۹- می‌باشد. این علایم گویای آن است که با افزایش درک و آگاهی شهروندان استان، خانوارها در پی سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی برای شهروند زابلی و برای شهروند برخوردار از امکانات تفریحی خارج از استان و کشور و مشارکت در امور خیریه و عام‌المنفعه هستند.

Nf یا تعداد فرزندان، از جمله متغیر هایی است که از نظر اقتصاد توسعه می بایستی رفتار منطبق با ساختار دو گانه را شاهد باشیم. نتایج برآورد و علامت آن برای شهرهای زاهدان و زابل به ترتیب ۰/۰۰۷، ۰/۰۶۵ - است. برای زاهدان علامت ضریب گویای آن است که با افزایش هر نفر، به میزان ۰/۰۰۷ درصد افزایش در ثروت ماترک را باید شاهد باشیم. درباره شهروند سیستانی، با سطح متوسط درآمدی کم، کاهش در سطح ثروت باقی مانده باید رخ دهد، چون خانوار هنوز در تامین مخارج اولیه درگیر است.

در اینجا برای نشان دادن اختلاف در سطح برخورداری و تفاوت متوسط درآمدی خانوارها در زاهدان و زابل، از آمارهای موجود در سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان در ۱۳۷۵ استفاده کرده ایم (سازمان برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۶: ۶۱-۶۲).

خانوارهای زاهدان و زابل از نظر برخورداری واحدهای مسکونی با مصالح اسکلت فلزی و سایر مصالح نشان دهنده برخورداری از منازل بهتر نسبت به سایر شهرهاست که در سرشماری فوق ارائه شده است. آمارها نشان می دهد که خانوارهای زابلی طی دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، ۰/۳ درصد از منازل آنان از اسکلت فلزی تشکیل می شده است. در صورتی که شهروندان زاهدانی ۴/۳ درصد برخوردار است و بقیه موارد نیز به همین صورت است.

آمار دیگر در همین زمینه مربوط به درصد شاغلین در بخشهای مختلف اقتصادی در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ شهرهای استان است.

زاهدان با ۱۰/۱ درصد اشتغال در بخش کشاورزی و ۵۸ درصد در بخش خدمات و زابل با درصد اشتغال ۳۸/۲ در بخش کشاورزی و ۳۸/۵ درصد در بخش خدمات، نشان دهنده شدت شکاف درآمدی بین شهروند سیستانی با متوسط درآمدی کم و شهروند زاهدانی با متوسط درآمدی بالاست.

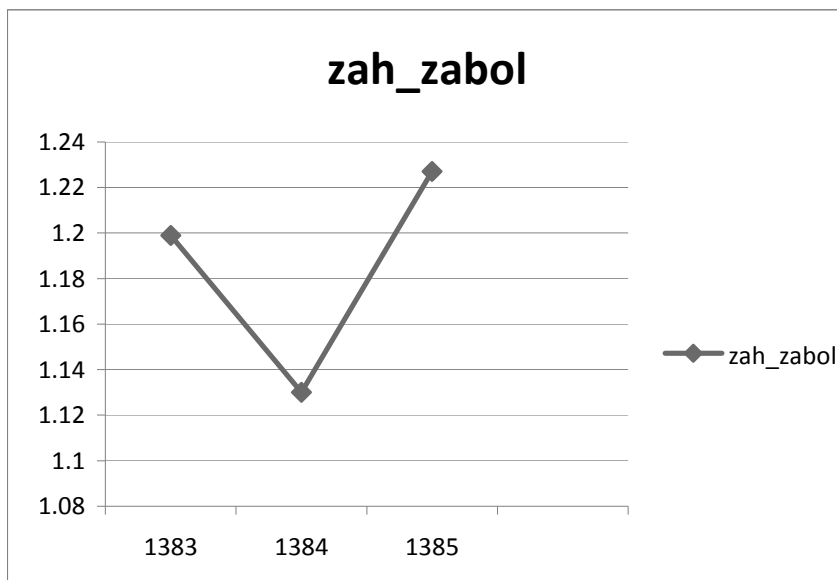
براساس بررسی های انجام شده توسط مرکز آمار ایران در مورد ۱۰۰۰ خانوار استان سیستان و بلوچستان، برای دوره زمانی ۸۵-۱۳۸۳، نسبت متوسط درآمد خانوار زاهدانی به زابلی که در جدول زیر آمده و از بررسی بودجه خانوار شهری و روستایی استخراج شده گواه بر تفاوت دو جامعه است:

جدول ۳. تفاوت متوسط درآمد شهروند زاهدان به زابل ۸۵-۱۳۸۳

سال	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
نسبت متوسط درآمد شهروند زاهدان به زابل	۱/۱۹۹	۱/۱۳	۱/۲۲۷

مأخذ: بررسی بودجه خانوار کشور ۸۵-۱۳۸۳

نمودار ۱. شکاف متوسط درآمدی زاهدان به زابل ۸۵-۱۳۸۳



مأخذ: داده های بودجه خانوار کشور

S1 متغیر محل سکونت است و نتایج برآورد برای شهرهای زاهدان، زابل و استان، به ترتیب ۰/۱۵، ۱/۱۹ و ۰/۵۲ می باشد یعنی در مورد افراد متوفی ۶۵ و بالاتر با حرکت از موقعیت سکونت به محل سکونت بالاتر اجتماعی و اقتصادی، سهم بیشتری از تراکم ثروت را برای ارث گذاری در نظر می گیرند.

Kage65 متغیر گذر از زمان از کار افتادگی (k) و دور شدن از سن فوق است. برآورد ها برای زاهدان، زابل و استان، همه علامت منفی دارند؛ یعنی به ازای هر سال دور شدن از سن از کارافتادگی و افزایش امید به زندگی، فرد سعی می کند سهم بیشتری از ثروت را برای خود نگهدارد.

متغیر بعدی، متغیر متداخل y1age یا اثر متداخل درآمد متوفی با تفاضل سن از کارافتادگی است. علامت ضرایب برآورد شده برای هر سه موقعیت مثبت است، یعنی در هر سنی پس از ۶۵ سالگی به ازای افزایش درآمد، فرد تمایل دارد ارث بیشتری از خود باقی بگذارد که با نتایج حاصل از متغیر kage65 همسویی دارد و با شواهد منطبق است.

جالب است توجه کنیم که نتایج آزمون هاسمن برای دو مورد متفاوت ساختاری زاهدان و زابل، نشانگر تخمین سازگار و کارای اثر ثابت است. در پایان برای جمع بندی، علاوه بر اینکه به تفسیر نتایج و بررسی یک یک متغیرها برای مدل در بخشهای مختلف استان توجه کردیم، بر منوال و سیاق هر کار تحقیقی در بخشی جدا، جمع بندی برای فرضیه ها را انجام می دهیم.

جمع بندی

در این مطالعه، با توجه به اینکه بخشهای استان، زاهدان و زابل از هم تفکیک شده، بنابراین، برای هرفرضیه سه بخش جداگانه بالا را در بطن کار مورد بررسی قرار می دهیم. الف) در مورد تأثیر متغیر تحصیلات والدین بر تصمیم بر ارث گذاری والدین، در نتایج تخمین در مورد شهر زاهدان علامت ضریب منفی است؛ یعنی به ازای افزایش سطح تحصیلات، بجای اینکه ماترک را به صورت ارث فیزیکی بیشتر در نظر بگیرد، در مورد شهروند زاهدانی که نسبت به شهرهایی مانند زابل و ایرانشهر یا شهرهای با متوسط زندگی پایین، از رفاه نسبی بیشتری برخوردار است و در نتیجه، با بالارفتن سطح تحصیلات و با فرض ثابت بودن سایر شرایط، به سمت استفاده از کالاهایی که در سطح پایین برای وی کالای لوکس مانند سفرهای تفریحی بیشتر، آموزش خصوصی و خارج از کشور برای فرزندان و سایر موارد که در نتیجه از میزان سهم ارث در ماترک کاسته و به تعبیر دیگر، امکان بروز خیرخواهی به شکل ارث را کاهش می دهد. در مورد شهر زابل، علامت ضریب منفی است؛ یعنی شهروند زابلی که در سطح متوسط زندگی و درآمدی پایین قرار دارد، با افزایش سطح تحصیلات خود به سمت استفاده از کالاهای لوکس مانند امکانات رفاهی بهتر شهری و خدمات بهداشتی خصوصی و دیگر کالاها توجه خواهد داشت که تا زمان حال برای وی رؤیا بوده است و بنابراین از میزان ارث برنامه ریزی شده در ماترک یا مجال بروز خیرخواهی وی در ارث کاسته می شود و که این نتایج در مورد استان نیز مشابهدت دارد و بنابراین، این فرضیه رد می شود.

ب) فرضیه بعدی آن است که با دور شدن از سن از کار افتادگی یا افزایش امید به زندگی، بر میزان ارث برنامه ریزی شده افزوده می شود و یا به تعبیر ساده تر، مجال بروز خیرخواهی در ارث فرد افزایش می یابد. در این زمینه، با نگاهی به نتایج آزمون پانل داده، علامت آن برای شهرهای زاهدان، زابل و استان منفی است؛ یعنی با افزایش سن امید به زندگی با توجه به فرض ثابت بودن سایر شرایط و دور شدن از سن از کار افتادگی، فرد احساس می کند که باید سهم ذخیره احتیاطی از ماترک را افزایش دهد و در نتیجه، از سهم ارث در ماترک کم می شود. به زبان دیگر، با افزایش

فاصله فرد از سن از کارافتادگی، برای سنین بالای ۶۵ سال، مجال بروز خیرخواهی کاهش می‌یابد یا به زبان فرضیه، این فرضیه هم مصداق ندارد.

ج) می‌دانیم که بهبود شرایط اقتصادی و درآمدی فرد را می‌توان با کمک متغیرهای مکان سکونت و متغیر تأثیر متداخل درآمد و سن نشان داد. مثلاً در اینجا علامت ضرایب هر دو متغیر مثبت است؛ یعنی با بهبود شرایط درآمدی فرد در هر سطح سنی بالاتر از سن از کارافتادگی و برخورداری از موقعیت بهتر سکونت، بر میزان ارث برنامه ریزی شده افزوده می‌شود؛ به این معنا که براساس نتایج آزمون پانل داده، با حرکت فرد از یک موقعیت سکونت شهری پایین به موقعیت سکونت بالاتر جامعه، به ازای بهبود وضع درآمدی در هریک از شهرهای استان، انتظار داریم تا بر میزان ارث در ماترک افزوده شود و به عبارت دیگر، مجال بروز خیرخواهی برای وی افزایش یابد و یا به زبان ساده تر، می‌توان ادعا کرد که این فرضیه را نمی‌توان رد کرد.

به تعبیری، می‌توان گفت تمرکز سرمایه و امکانات اولیه زندگی در شهرهای دور از مرکز استان می‌تواند موجبات تراکم سرمایه‌های خانوارهای منطقه برای سرمایه‌گذاری در بخشهای اقتصادی مولد و خدمات آموزشی با سطح کارآمدی بالاتر و افزایش کارآیی نیروی انسانی و تسریع در تشکیل سرمایه انسانی و مادی را موجب خواهد شد و به تعبیر دیگر، سیستم جبران هزینه بارو در چنین شرایطی به راحتی با جایگزینی سرمایه‌گذاری مردم به جای دولت، می‌تواند از بار هزینه‌های دولت در این استان برای کاهش مسایل و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و امنیتی بکاهد. این امر شدنی نیست، مگر اینکه، سرمایه‌ها از مرکز به شهرها و بخشهای حاشیه استان منتقل شود. سمت‌گیری سرمایه‌گذاری دولت در زیر ساخت‌ها و بخش کشاورزی و صنعت و فراهم سازی امکانات دیگرآموزشی و بهداشتی و رفاهی بالاتر به تعبیر واگنر، به ازای افزایش درآمد نسبی مردم به سمت مصرف کالاهای پرکشش تر تمایل می‌یابند (دادگر، ۱۳۸۸). در نتیجه، تمایل و رفتار وی در جهت تراکم ثروت برای آیندگان در بازارهای مالی و سهام شکل می‌گیرد. در نهایت، می‌توان در بلندمدت، شاهد کاهش هزینه‌های گزاف امنیتی و اجتماعی دولت بود.

منابع و مأخذ

- بلاچارد اولیویر جین و فیشر استانلی (۱۳۷۶) درس هایی در اقتصاد کلان؛ ترجمه محمود ختایی و تیمور محمدی؛ جلد اول، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- پژویان، جمشید (۱۳۶۳) اقتصاد بخش عمومی (۱): هزینه های دولت؛ تهران: انتشارات دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- پیندیک، رابرت و روبینفیلد، دانیل (۱۳۷۰) الگوهای اقتصاد سنجی و پیش بینی های اقتصادی؛ ترجمه محمد امین کیانیان؛ تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- دادگر، بداله (۱۳۸۸) مالیه عمومی و اقتصاد دولت؛ تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نورعلم، چاپ چهارم.
- سازمان برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان (۱۳۷۶) نشریه بررسی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان سیستان و بلوچستان - ۱۳۷۵؛ زاهدان، نشریه شماره ۶۳.
- عباسیان، عزت اله و نوری، راضیه (۱۳۸۶) آزمون برابری ریکاردویی در ایران؛ تهران: مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۹، صص. ۱۸۹-۱۷۱.
- عرب مازار، عباس (۱۳۶۹) اقتصاد سنجی عمومی؛ تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۱) تبیین نظریه رفتار مصرف کننده مسلمان؛ پایان نامه دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۵۸) آدام اسمیت و ثروت ملل؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- مهرگان، نادر و اشرف زاده، سید حمیدرضا (۱۳۸۷) اقتصادسنجی پانل دیتا؛ تهران: موسسه تعاون دانشگاه تهران، چاپ اول.
- Altonji, Joseph G. , Hayashi, Fumio & Kotlikoff, Laurence J. (1997). Parental Altruism and Inter Vivos Transfers: Theory and Evidence; Journal of Political Economy, 105 (6) , 1121-1166.
- Altonji J. G. & Villanueva E. , (2003) The Marginal Propensity to Spend on Adult Children, NBER working papers series, W9811.
- Anne Laf Errere & Francois-Charles Wolff (2006) Microeconomic models of family transfers; chapter 13, Handbook of the Economic of Giving, Altruism & Reciprocity. Vol. I, ed. by Serge-christophe Kolm and Jean Mercier Ythier, B. V.
- Arrondel Luc and Andre masson (2006) Altruism, exchange or indirect reciprocity: What do the data on family transfers show?; chapter 14, Handbook of the Economic of Giving, Altruism & Reciprocity, Vol. I, ed. by Serge-christophe Kolm and Jean Mercier Ythier, B. V.

- Barthold, T. and Plotnick, R. (1984) Estate Taxation and Other Determinants of Charitable Bequests; *National Tax Journal*, 37 (2) , pp. 225-237.
- Becker Gary S. (1976) *The Economic Approach to Human Behavior*; University of Chicago press.
- Bernheim B. Douglas & Sergei Severinov (2003) Bequests as Signals: An Explanation for the Equal Division Puzzle; *Journal of Political Economy*, 111 (4) , pages 733-764.
- Bernheim, D. B. (1991) How Strong Are Bequest Motives? Evidence Based on Estimates of the Demand for Life Insurance and Annuities; *Journal of Political Economy*, 99, 899-927.
- Bernheim, D. B. , Shleifer, A. ,and Summers, L. H. (1985) The Strategic Bequest Motive; *Journal of Political Economy* , 93, pp. 1045-1076.
- Bernheim, D. B. , Jonathan Skinner, and Steven Weinberg (2001) What Accounts for the Variation in Retirement Wealth among Household; *American Economic Review*, 91 (4) , pp. 832-57.
- Brown, D. W. (2004) What Research tells us about planned giving; *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 9 (1) , pp. 86-95.
- Chang, C. F., Okunade, A. A. and Kumar, N. (1999) Motives Behind Charitable Bequests; *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 6 (4) , pp. 69-85.
- Cole, K. , Dingle, R. and Bhayani, R. (2005) Pledger modeling: Help the Aged case study; *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 10, pp. 43-52.
- Collard David. (1981) *Altruism & Economy: A study in non-selfish Economics*; Martin Robertson & Company Ltd. , Oxford.
- Combs, Mary B. (2005) They Lived and Saved: Evidence of the Bequest Motive for Saving among Small Shopkeepers in Late Nineteenth Century Britian; From ,http://www.fordham.edu/economics/combs_colgate_paper_pdf.
- Cox Donald (1987) Motives for private income transfers; *Journal of Political Economy*, 95 (3) , pp. 508-548.
- Cox D. & M. R. Rank (1992) Inter-vivos transfers & intergenerational exchange; *The Review of Economics and Statistics*, 74 (2) , pp. 305-314.
- Curasi, C. F. , Price, L. L. and Arnould, E. J. (2003) Understanding the intergenerational transmission of cherished possessions; *Journal of Financial Services Marketing*, 7 (4) , pp. 369-383.
- Davies, James B. (1981) Uncertain Lifetime, Consumption, and Dissaving in Retirement; *Journal of Political Economy*, 89 (June) , pp. 561-77.
- Deaton Agnus & Muellbauer J. (1980) *Economics and consumer behavior*; Cambridge, University Row.

- Elster, Jan. (2006) Altruism behavior and altruistic motivations; chapter 3, Handbook of the Economics of Giving ,Altruism & Reciprocity. vol. I, ed. by Serge-christophe Kolm and Jean Mercier Ythier, B. V.
- Fink, G. , and Silvia Redaelli (2004) Understanding Bequest Motives: An Empirical Analysis of Intergenerational Transfers; De Nederlandsche Bank (DNB) working paper series, No. 42.
- Friedman, Milton (1957) A theory of the consumption function; Princeton, N. Y. , Princeton University Press.
- Gale, W. G. , and Scholz, J. K. (1994) Intergenerational Transfers and the Accumulation of Wealth; Journal of Economic Perspectives, 8, 145–160.
- Garner T. I. & Wagner J. (1991) Economic dimensions of household gift giving; Journal of Consumer Research, 18. (Dec.).
- Hirschman, E. C. (1990) Secular Immortality and the American Ideology of Affluence; Journal of Consumer Research, 17 (1) , pp. 31-43.
- Horioka, Charles Y. , Yamashita, K. , Nishikawa, M. , and Iwamoto, Shiho (2003) The Impact of Bequest Motives on the Saving Behavior of the Aged in JAPAN; From: [http://www. rand.org/labor/seminars/adp/pdfs/adp_horioka.pdf](http://www.rand.org/labor/seminars/adp/pdfs/adp_horioka.pdf)
- Hurd, Michael D. (1987) Saving of the elderly and desired bequests; American Economic Review, 77 (3) , pp. 298-312.
- Hurd, M. D. (1989) Savings of the Elderly and Desired Bequests; American Economic Review. 77, pp. 298–312.
- Joulfaian, D. (2000) Estate Taxes and Charitable Bequests by the Wealthy; National Tax Journal, 53 (3) , pp. 743-763.
- Kopczuk W., J. P. Lupton (2007) To leave or not to leave : the distribution of Bequest motives; Review of Economic Studies, 74 (1). Pp. 207-236.
- Laitner, John (2008) Bequests and Life cycle model; The New Palgrave Dictionary of Economics, 2nd edition, eds Steven N. Durluf & Lawrence H. White, Palgrave, Macmillan.
- Laitner, J. (2001) Wealth Accumulation in the U. S. : Do Inheritances and Bequests Play a Significant Role?; University of Michigan, mimeo.
- Laitner, J. (1997) Intergenerational and Interhousehold Economic Links; in Handbook of Population and Family Economics (M. R. Rosenzweig and O. Stark, Eds.) , Vol. 1A, Amsterdam: Elsevier.
- Laitner, John and Ohlsson, H. (2001) Bequest Motives: A Comparison of Sweden and United States; Journal of Public Economics, 79, pp. 205-236.
- Lord, W. , and Rangazas, P. (1991) Savings and Wealth in Models with Altruistic Bequests; American Economic Review, 81, 289–296.
- Loury, Glenn C. (1981) Intergenerational Transfers and the Distribution of Earnings Econometrica, 49 (4) , pp. 843-867.

- McGarry, Kathleen (2000) Testing parental altruism: implications of a dynamic model; NBER working papers series. .
- McGarry, Kathleen, & Schoeni, R. F. (1995) Transfer Behavior in the Health and Retirement Study; *The Journal of Human Resources*, 30, s184-s226.
- McGranahan Leslie Moscow (2000) Charity and the Bequest Motive: Evidence from Seventeenth-Century Wills; *The Journal of Political Economy*, 108 (6) , pp. 1270-1291.
- Menchik, P. L. (1980) Primogeniture, Equal Sharing and the U. S. distribution of Wealth; *Q. J. E.*, 94 (2) , pp. 299-316.
- Menchik, P. L., and David, M. (1983) Income Distribution, Lifetime Savings, and Bequests; *American Economic Review*, 73, pp. 672-690.
- Mok, Shannon (2010) Precautionary Savings or Bequest Motives? Evidence From the Health Spending of the Elderly; From <http://www.academic.research.microsoft.com/Author/354097.aspx>.
- Modigliani, Franco. (1988) The Role of intergenerational transfers and Life – cycle saving in the accumulation of wealth; *Journal of Economic Perspectives*, 2 (2), pp. 15-40.
- Page, Benjamin R. (2003) Bequest Taxes, Inter Vivos Gifts, and the Bequest Motives; *Journal of Public Economics*, 87, pp. 1219-1229.
- Rangazas Peter (1991) Redistribution and Capital Formation; *American Economic Review*, 81 (3) , pp. 674-682.
- Routley, C., Sargeant, A. and scaife, Wendy A. (2007) Bequests to educational institutions : who gives and why?; *International Journal of Educational Advancement*, 7, pp. 193-201.
- Sargeant, A. , Hilton, T. (2005) The Final Gift: Targeting the Potential Charity Legator; *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 10, pp. 3-10.
- Sargeant, A. , Hilton, T and Wymer, W. (2006) Bequest Motive and Barriers to Giving: The Case of Direct Mail Donors; *Nonprofit Management and Leadership*, 17 (1) , pp. 49-66.
- Sargeant, A. , and Jay, E. (2003) The Efficacy of Legacy Communications; From [http://www.charityfundraising.org/Legacy fundraising in the UK.pdf](http://www.charityfundraising.org/Legacy%20fundraising%20in%20the%20UK.pdf).
- Sargeant, A. , Wymer, W. and Hilton, T. (2006) Marketing Bequest Club Membership: An Explanatory Study of Legacy Pledgers; *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 35 (3) , pp. 384-404.
- Schervish, P. G. (2000) The material horizons of philanthropy: New directions for money and motives. *New Directions for Philanthropic Fundraising*, 29, pp. 5-16.
- Severniov, S. (2006) Bequests as Signals: An Implications for fiscal policy. *Journal of Public Economics*, 90, pp. 1995-2008.

- Smetters Kent, and Mankiw N. G., Feldstein, M. (1995) Essays on the Intergenerational Transfers of Wealth; Ph.D. Diss. , Harvard University.
- Wilhelm, Mark O. , and Bekkers, R. (2010) Helping Behavior, Dispsitional Empathinc Concern, and the Principle of Care; Social Psychology Quarterly, 73.
- Villanueva Ernesto (2000) Three essays on the extent & consequences of parental altruism; Phd diss. , Northwestern University.
- Yaari, Menahem E. L (1965) Uncertain Lifetime, Life Insurance, and the Theory of the Consumer; Rev. Econ. Studies 32, April: 137-50.